

قصه غصه شهر

یکی بود یکی نبود زیر گنبد کبود غیر خدا هیچی نبود هیشکی نبود
من می خوام برات قصه بگم نه ساختگی قصه مردم شهر که همتون می بینیشون
توی این قصه منم، یکی از این واقعیام پس به من گوش کنین
با دقت و با منّتی خیلی زیاد

قصمو تو شهرتون به هم بگین تا دیگرونم بشنون شاید کمی اثر کنه
آدما مثل همدن قصشون فرق می کنه یکیشون تو نعمته اون یکی تو نکبته
ظاهراً فرق دارن فرق دارن خیلی هم فرق دارن
فرقشون تو خونشون ماشینشون لباسشون
یکیشون هر چی میخواد از همه چی هی میخوره
اون یکی نا نداره جون نداره نون نداره
هر چی بخواد هوس کنه فقط میتونه ببینه
یکیشون شب تا سحر با ماشینش بوق میزنه به همه میگه به من نگاه کنین

من پسر فلانیم یا دختر فلانیم

اون یکی تا نصف شب ماشینا رو پاک می کنه صاحب داره؟ یا نداره؟ نمیدونم
به همه میگه عمو یا که خاله
تا بتونه رحمشونو جلب کنه پولایی که بش میدن یا نمیدن یا که کمه یا که زیاد
فرق نداره همشون حقارته گدائیه

آدما آی آدما کدوممون با هم دیگه فرق داریم؟

هر چی که تو دوست داری آخه منم دوست می دارم
چی بگم آه چی بگم
تو همین خیابونا یک شبی دورهمی قصه غصمونو برای هم حرف می زدیم
لبمون خنده میزد ولی اون خنده نبود دلمون شادی می خواست ولی اون شادی نبود
یک کسی در اون میون یه سیگاری روشن کرد
وقتی دید همه به اون خیره شدند همه نگاهش می کنند دور گرفت به هر کسی سیگاری داد
من تو این میون فقط تنها بودم طعم سیگار برام غریبه بود
وقتی که به من رسید روم نشد منم یکی برداشتم
به خودم میگم که حالا بکشم یا نکشم؟ یاد بابام افتادم اونقدر سیگار کشید
که اولش پولشو داد آخرش جونشو داد
یکی از درون به من میگه که آلوده نشو اون یکی میگه چرا همه با هم خوش نباشیم

همه سیگار می کشن اونکه پول داره یه جور اون که گداست جور دیگه
این فقط یک خوشیه یه شبه دائمی نیست چی بگم از اون شب دورهمی سال ها گذشت
حالا آلوده شدم نه با سیگار با صد تا بدتر از سیگار
هروئین یا که شیشه یا کوفت و یک اسم دیگه ازشون بدم میاد
نه فقط کار ندارم چون ندارم نا ندارم از خودم بدم میاد
یک اراده قوی به من میگه میتونی برگردی

قصه غصه پولدارا به تو مربوط نیست غصه قصه بچه های کار اونا که فقط کمی نوون می خوان
یک کمی ناز و نوازش از پدر یا مادر یا هر دو
الفت و محبت مردمی که پولی میدن یا نمیدن یا یک کلام تلخ میگن کجا شده؟
ای خدا حالا دیگه خسته شدم دلمو به تو می دم ازت میخوام تا که منو رد نکنی
بلکه منو عوض کنی ای خدا من چه کنم؟ که از تو خییلی دور شدم
ولی من این نبودم یه روزی فقط دلم تورو میخواست کلید مشکلاتم اسم تو بود
چه کنم؟ صد افسوس اون که گذشته که گذشت

حالا دیگه اومدم تا دستمو تو بگیری نه این و اون
آدما آی آدما تو که خیلی پولداری تو که هیچی نداری
خدای هر دو تامون فقط یکیست بیایید با هم دیگه آشتی کنیم
خیییلی سخته چرا که فاصلمون از این زمین تا به هواست
ولی یک چیزی که هست قصمون مثل همه هر دو آلوده شدیم
تو به مالت می نازی من که مالی ندارم من که نازی ندارم با سختی ها سر می کنم
آدما آی آدما

دیگه بسه بذاریم قصه غصه ها دیگه تموم بشه به خدا برگردیم
اون که عشقو آفرید عشقو او به ما همه هدیه داده دل ما ظرف خداست
تیک تاک ساعت دل به ما میگه بیایید با هم باشیم تو غمو شادی هم شریک بشیم
غم و غصه رو فراموش بکنیم دور بزنینم دست به دست هم بدیم
با هم دیگه با یک صدا داد بزنینم

سرودگر: بدون عشق همیشه زندگی کرد سلام بر عشق
به عشق باید همیشه بندگی کرد سلام بر عشق